

تجربه دو ماه آموزش الکترونیکی دانش‌آموزان: درس‌هایی از ایتالیا (بخش دوم)

گسترش آموزش مجازی در مدارس به ویژه «ایتالیا» بخش‌های پنهانی از روابط والدین، دانش‌آموزان و معلمان آشکار ساخته که تا پیش از این مشخص نبود؛ نوع رفتار متفاوت دانش‌آموزان در خانه و مدرسه، نحوه تعامل معلمان با آن‌ها و والدین و نوع رویکرد معلمان نسبت به تکنولوژی از مهم‌ترین مواردی است که توجه به آن می‌تواند در آموزش و پرورش نسل‌های آینده نقش اساسی ایفا کند.

تجربه زیسته «توبیاس جونز» به عنوان یک ژورنالیست و نویسنده، از دو ماه آموزش الکترونیکی فرزندانش در دوران کرونا در «ایتالیا» در روزنامه «گاردین» خواندنی است. تشابه این تجربه با رویدادهای آموزشی کشور ما در همین دوران بسیار اعجاب برانگیز است و می‌تواند درس‌های مهمی برای نظام آموزشی جامعه ایران داشته باشد. بخش دوم این گزارش توسط «دکتر محمود شارع پور» استاد جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران به تحریر درآمده که قابل ملاحظه است.

تغییر روابط معلم-دانش‌آموز در آموزش الکترونیک

آموزش الکترونیکی در منزل، رابطه معلم-دانش‌آموز را کاملاً تغییر داد. در کلاس آنلاین، اگر دانش‌آموز انگیزه و علاقه‌ای نداشته باشد به راحتی می‌تواند خود را پنهان سازد. به راحتی می‌تواند تظاهر کند که دچار مشکل فنی شده، می‌تواند دوربین خود را از کار بیاندازد و یا حتی میکروفون را قطع نماید. مشکل آموزش الکترونیکی این است که اگر معلم دانش‌آموز را در درس و کلاس درگیر نکند و مشارکت ندهد، ممکن است او از جمع خارج شده و چون در مقابل معلم قرار ندارد لذا برگرداندن او به حلقه درون کلاس برای آموزگار امکان‌پذیر نباشد.

در این شرایط معلمان مجبورند تا برای حفظ توجه دانش‌آموزان در کلاس‌های مجازی، راه‌های جدیدی پیدا کنند. دیگر نمی‌توانستند از همان روش‌های کلاسیک آموزش استفاده کنند. باید کاری می‌کردند تا دانش‌آموزان کاملاً درگیر بشوند.

گویی باید همه چیز مدرسه از نو اختراع شود. در مدارس ایتالیا ماهیانه آزمون‌های مختلفی برگزار می‌شد، ولی اکنون در این شرایط جدید معلمان زود متوجه شدند که دیگر آن نوع آزمون‌ها کاربردی ندارند چون نمی‌توانند جلوی «تقلب» دانش‌آموزان را بگیرند.

جلوگیری از تقلب در آزمون‌ها و تست‌ها به یکی دیگر از دغدغه‌های معلمان تبدیل شد. معلمان سنتی از این‌که این همه دانش‌آموز در کلاس مجازی، تقلب می‌کردند بسیار عصبانی بودند. در همین ایام بود که وزیر جدید آموزش و پرورش اعلام کرد که با توجه به شرایط کنونی هیچ دانش‌آموزی امسال مردود نخواهد شد. بدین ترتیب این معلمان عصبانی کاملاً خلع سلاح شدند.

واقعیت این است که این دو ماه گذشته بیشتر به «آموزش مجدد معلمان» گذشت تا دانش‌آموزان. اهمیت نمره در این شرایط کاهش یافت و قدرت نمره در ایجاد اضطراب و نگرانی در دانش‌آموزان و والدین، از بین رفت.

برخی از دانش‌آموزان، مادر بزرگ یا پدربزرگ خود را بخاطر کرونا از دست داده بودند. برخی از والدین نیز بیکار شده و خشونت و درگیری در خانواده‌ها زیاد شده بود. لذا شرایط روحی و روانی دانش‌آموزان بسیار بد بود. با توجه به شرایط روحی و روانی دانش‌آموزان در این ایام، بسیاری از معلمان مجبور شدند سخت‌گیری‌های قبلی خود را کنار بگذارند. معلم‌ها مجبور شدند تا نقش روانشناس و مددکار اجتماعی را هم ایفا کنند.

در همین راستا، برخی معلم‌ها به دانش‌آموزان خود اطلاع دادند که در این ایام در هر روز و ساعتی آماده جواب دادن به سوالات دانش‌آموزان خود هستند و بیشتر دوست دارند تا به سوالات دانش‌آموزان خود جواب بدهند تا این‌که از آن‌ها سوال بپرسند. سعی کردند مدام بگویند که چقدر از دانش‌آموزان خود راضی هستند.

به این ترتیب مرزهای سنتی بین معلم و دانش‌آموز دچار انعطاف و سیالیت شد و این انعطاف با محاسن و معایبی همراه بود. به عنوان مثال در کلاس‌های مجازی که تصویری بود برخی دانش‌آموزان از این‌که بقیه، تصویر اتاق و خانه او و تصاویر و صدای والدین او را ببینند و بشنوند، خجالت می‌کشیدند. خیلی از معلمان اکنون معتقدند که تصویر جدیدی از وضعیت دانش‌آموزان خود بدست آورده‌اند که تاکنون از آن بی‌خبر بودند. به همین خاطر الان بسیاری از معلمان اعتراف می‌کنند که با توجه به شرایط بسیار متفاوت دانش‌آموزان، ما نیاز به شیوه‌های بسیار مختلفی از آموزش داریم نه یک شیوه ثابت برای همه.

تغییر تصور والدین از مدرسه و دانش‌آموز

تا پیش از این والدین هر وقت از فرزندان خود در مورد مدرسه می‌پرسیدند فقط با یک کلمه جواب می‌گرفتند: «خوبه». ولی الان که بیش از یک ماه است که کلاس‌های مجازی آن‌ها به ما امکان شنیدن صحبت‌های کلاس درس را داده، تصویر بهتری از وضعیت فرزند در کلاس ایجاد شده و شناخت بهتری از آن‌ها بدست آمده است.

مثلاً بعضی والدین اکنون متوجه شده‌اند که یکی از فرزندان‌شان در خانه بسیار سرزنده و بانشاط است ولی وقتی سوالی از او در کلاس پرسیده می‌شود، اغلب برخورد سرد و بی‌روحی دارد.

یکی دیگر از پیامدهای آموزش مجازی در خانه‌ها – که اتفاقاً یکی از مشکلات بزرگ مدارس «ایتالیا» هم هست – همان «بی‌انضباطی» برخی دانش‌آموزان شلوغ در کلاس است که تا حدود زیادی رفع شده است. الان چون همه دانش‌آموزان می‌دانند که والدین نیز حضور جانبی در کلاس‌های مجازی دارند و حرف‌های همه آن‌ها را می‌شنوند لذا فضای کلاس درس با انضباط بیشتری همراه شده و از آن شیطنت‌های همیشگی در کلاس خبری نیست.

در این ایام تعطیلی مدارس هر چقدر بیشتر به مسائل آموزشی فکر می‌کنیم، بیشتر متوجه می‌شویم که همه ما دارای نگرانی‌های جدی هستیم. دانش‌آموزان همیشه بخاطر امتحانات هفتگی و برچسب‌های منفی، از مدرسه شاکی بودند ولی الان پس از کرونا، بسیاری از معلمان هم احساس ناامنی پیدا کرده‌اند؛ نه به این خاطر که ظاهراً آموزش و پرورش اولویت آخر دولت است بلکه معلمان از آموزش دیجیتالی می‌ترسند و بیم این دارند که به‌زودی صفحه نمایش‌های الکترونیکی، جای آن‌ها را گرفته و از میدان خارج کنند. حتی معلمانی که با تکنولوژی رابطه خوبی دارند نگران بوده و معتقدند که آموزش از راه دور یک بازی ویدیویی عجیب و غریب و در نهایت، شکنجه و عذاب است. بسیاری از معلمان در جلوی صفحه نمایش دیجیتالی به یک شخصیت تلویزیونی مصنوعی تبدیل می‌شوند.

بسیاری از والدین هم الان دچار اضطراب و نگرانی هستند نه بخاطر این‌که بچه‌هاشان یادگیری خوبی ندارند بلکه بیشتر نگران این هستند که بدون نمره، والدین هیچ ابزاری برای سنجش پیشرفت فرزندان خود ندارند. شاید بتوان گفت که محافظه‌کارترین عنصر در اکوسیستم مدرسه، «والدین» هستند. اگر بچه آن‌ها نمره عالی نگیرد یا تکالیف را کامل انجام ندهد، والدین شاکی خواهند شد. این دسته از والدین بیش از همه نیاز به آموزش دارند.

جالب‌تر این‌که، حتی شرکت‌های فنی ارائه دهنده پلتفرم یادگیری دیجیتال برای مدارس هم نگران هستند. نگرانی این افراد از این است که اکنون معلمان بجای بهره‌گیری از این فرصت برای ایجاد نوع کاملاً جدیدی از آموزش، از تکنولوژی جدید برای بازتولید همان روش‌های تدریس قدیمی استفاده می‌کنند. یادگیری «دیجیتالی» صرفاً معنی تکنولوژی نمی‌دهد. تکنولوژی فقط یک ابزار است. کارآیی و اثربخشی این نوع یادگیری کاملاً به رهیافت آموزشی معلم بستگی دارد.

دو ماه است که در ایتالیا مدارس تعطیل شده و آموزش مجازی در خانه‌ها شروع شده است. هیچ‌کس دقیقاً نمی‌داند که از چه زمانی مدارس بطور رسمی کار خود را از سر خواهند گرفت و کسی هم نمی‌داند که با باز شدن مدارس چه تغییری در نقش قبلی آن‌ها صورت خواهد گرفت.